

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

c1e14f5d07cc94a09110b3b0f88f224a018715e1e850c5c26b34c8209f601b56

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.



تبیین مفهومی علل و بازخوردهای زنانه (مونث) شدن مهاجرت‌های روستایی

طاهره صادقلو^۱

چکیده

امروزه به واسطه توسعه اطلاعات و ارتباطات و تکنولوژی مرزهای سیاسی جای خود را به مرزهای ایدئولوژیکی داده اند. فضاهای شهری و روستایی به سمت همگونی و وحدت حرکت می نمایند و بسیاری از فضاهای روستایی در حال گذار از ماهیت روستایی خود به شهرهایی با هویت مبهم می باشند. اما آنچه هنوز تفاوت‌های فضاهای شهری و روستایی را مانند اهرمی برای جلب جمعیت مهاجر از روستا به فضاهای شهری برجسته ساخته است، شرایط نامساعد زیرساختی، سنگینی باورهای و تعصبات اجتماعی، نقش خودکنترلی اجتماعات روستایی و تناقض ارزشهای فراگیر شده در سایه توسعه ارتباطات و اطلاعات با فضای سنتی روستاهایی می باشند که قادر به توجیه و تامین جمعیت روستایی خود نیستند. بخش عمده جمعیت اجتماعات روستایی را زنان تشکیل می دهند که به واسطه ی عوامل مختلفی نظیر ارتقاء آگاهی های ناشی از توسعه ارتباطات و اطلاعات، تغییر کارکردهای فضاهای روستایی و نقش تولیدی زنان، انگیزه تحصیل و اشتغال و نظایر آن به انحاء مختلف دچار تغییر باورهای سنتی و گذار از کارکردها و نقش های پیشین زن روستایی به سوی باورهای جدید گردیده اند. یکی از مهمترین نتایج این تغییرات اجتماعی- ارزشی، تمایل به تحرک از فضاهای بسته روستایی به سوی شهرها برای دستیابی به موقعیت و فرصتهای جدید می باشد. به گونه ای که بخش مهمی از مهاجران کنونی جهان را زنان شامل می شوند. افزون بر زنان شهری، زنان روستایی نیز که بخشی از این مهاجران هستند. از این پدیده در عرصه علمی تحت عنوان مونث شدن جریان مهاجرتها یاد می شود. بر این اساس مطالعه حاضر، با روش شناسی تبیینی از طریق روش کتابخانه ای به دنبال شناسایی عوامل تاثیرگذار بر تمایل زنان روستایی به خروج از روستاها و مهاجرت به شهرها و به عبارتی تحلیل علت افزایش سهم زنان روستایی در فرایند مهاجرتها می باشد. یافته های تحقیق نشان می دهد که عمده مهاجرت زنان به واسطه شرایط اقتصادی و آموزش می باشد که دارای بازخوردهای مثبت و منفی در مناطق روستایی می باشد.

کلمات کلیدی: مهاجرت زنان، روستا، ارتقاء آگاهی، مونث شدن مهاجرت، سیاستهای مهاجرتی.

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد (tsadeghloo@yahoo.com)



۱- مقدمه

از مهاجرت تعاریف مختلفی ارائه شده است که تمامی آنها در اصول پایه ای مشترک و هم عقیده می باشند. مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می گیرد. این تحرک جغرافیایی، تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می باشد. این گونه مهاجرت ها را مهاجرت دائم گویند و باید آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نمی باشد، تفکیک کرد (ویلسون، ۱۹۸۵ به نقل از زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۲۲). تحولات مهاجرت جمعیت در دوره های مختلف، بنا به اقتضای شرایط مکانی و جغرافیایی، روند متفاوتی به خود می گیرد. در هر زمانی تحت تاثیر نیازهای اجتماعات انسانی در جستجوی کار، آموزش، خدمات، رفاه، و نظایر آن، پراکنش جمعیت در عرصه های فضایی شکلی خاص به خود می گیرد. جریان تحرکات گروه های انسانی را می توان از ابعاد مختلف نظیر سن مهاجرت، انگیزه مهاجرت، مرزهای سیاسی مهاجرت و نظایر آن مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در این بین جنسیت و مهاجرت از مهمترین ابعاد طبقه بندی و دسته بندی اشکال مهاجرت می باشد. در گذشته بیشتر مهاجران را مردان تشکیل می دادند که برای یافتن شغل یا شغلی بهتر و هم چنین به علت عوامل دافعه در مبدأ و جاذبه در مقصد دست به مهاجرت می زدند. ولی امروزه در کنار مهاجرت مردان، مهاجرت زنان نیز قابل توجه است (جعفری، ۱۳۹۰). زنانه شدن مهاجرت^۲ روندی از الگوهای جنسیتی مهاجرت است که در آن نرخ بالایی از زنان برای دستیابی به کار و یا ازدواج محل زندگی یا تولد خود را ترک می کنند. براساس اطلاعات موسسه آماری سازمان ملل متحد، نرخ مهاجرت زنان در پهنه جهانی از ۴۶,۷ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۴۹,۶ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. براساس اطلاعات آماری بانک جهانی، در سال ۲۰۰۷، زنان بیش از نیمی از جمعیت مهاجر جهان را تشکیل می دهند. مطالعات بسیاری بر روی تحولات الگوهای جنسیتی مهاجرت در سده های اخیر صورت گرفته است که بیشتر این مطالعات به بررسی موضوعات و مسائلی نظیر پیامدهای اقتصادی و ارسال وجوه، پیوندهای خانوادگی، نژادی کردن مهاجرت، حمل و نقل انسانی و تقسیم کار جنسی و همچنین فرصتهای آموزشی و تاثیر آن بر زنانه شدن الگوهای مهاجرت تاکید دارند (Wikipedia, ۲۰۱۴). تغییرات اساسی در جریانات مهاجرتی فقرا به صورت نامحسوس و مسکوت در حال رخ دادن است اما در این بین انسانهای زیادی برای دستیابی به ارض موعود خود امیدوارند. بخش مهمی از این جمعیت را زنان مهاجر تشکیل می دهند. در عرصه جهانی بخش مهمی از این گروه استثمار شده و اغلب برای امور ناهنجار اجتماعی خرید و فروش یا محکوم به کارکردن در ساعتهای طولانی می شوند (Moreno Fontes, ۲۰۰۱). تا دهه ۱۹۷۰، عمده ترین اشکال مهاجرت های انفرادی و غیرخانوادگی بیشتر در گروه مردان به عنوان نان آور خانواده مشاهده می گردید ولی از ۱۹۸۰ به بعد با افزایش شمار زنان مجرد و متاهل سرپرست خانوار، همچنین

۲ - Feminization of migration



ارتقاء سطح دانش زنان نسبت به مردان، جریانهای مهاجرت از روند مذکر بودن خود به سوی زنانه شدن تغییر یافت و سیل عظیمی از مهاجران زن برای یافتن کار، در سایر فضاهای جغرافیایی خارج از مبدا آغاز گردید. به گونه ای که اکنون باوجود محدودیت قانونی زنان نسبت به مردان در برخی کشورها، در نظر گرفتن جریانهای رسمی و غیررسمی مهاجرتها، سهم مهاجرین زن در این جریانها بیش از مردان مهاجر است. در این میان مهاجرتهاى زنان روستایی به شهرها سهم مهمی از این مونث شدن جریان مهاجرتی را تشکیل می دهد. در گذشته جریان مهاجرت انفرادی زنان روستایی به خارج از مرزهای محل زندگی بسیار کم رنگ و محدود بود و مهاجرت زنان تنها در قالب مهاجرتهاى خانوادگی و به تبعیت از همسر اتفاق می افتاد. حتی در بسیاری از موارد زنان روستایی تنها در روستا به زندگی ادامه می دادند و همسران آنها برای مقاصد مختلف از روستا مهاجرت می کردند. اما در سالهای اخیر عرصه جهانی شاهد خروج فزاینده و آسان گروه زنان مجرد و متأهل از فضاهای روستایی می باشد. مقاله حاضر به دنبال بررسی و شناسایی عوامل موثر بر مونث شدن جریان مهاجرت زنان روستایی و تعیین مهمترین علل در فضاهای روستایی ایران و همچنین بازخوردهای این پدیده بر فضاهای روستایی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی می باشد.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه مونث شدن جریان مهاجرتها مطالعات بسیاری صورت گرفته است. برخی از این مطالعات در قالب جدول زیر (جدول ۱) ارائه شده است که به شناسایی علل مهاجرتهاى زنان و علل تشدید آن در دهه های اخیر اشاره شده است. اغلب این مطالعات به بررسی موضوع در عرصه ملی و بین المللی پرداخته است. حال آنکه شکل فضایی جریانات مهاجرتی در عرصه های محلی و خرد نظیر روستا به شهر که عمده تاکید بر آن است، و دارای پیامدها و شاید انگیزه های غالب متفاوتی از مهاجرتهاى ملی و بین المللی است کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۱- پیشینه مطالعات مرتبط

عنوان تحقیق	محقق و سال تحقیق
بررسی روند مهاجرت زنان به نقاط شهری شهرستان مشهد، طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۸۵	نرگس جعفری، ۱۳۹۰
اشتغال و مهاجرت زنان روستای	فریده سرحدی، ۱۳۷۳
جنسیت و مهاجرت	Susie jolly with hazel reeves, ۲۰۰۵
مهاجرت بین المللی نیروی کار زنان از جنوب آسیا، مطالعه جامع در بنگلادش	Siddiqui and Hossainul Haque, ۲۰۰۵
زنان و مهاجرت	Susan Forbes Martin, ۲۰۰۳
زنان مهاجر در کشورهای در حال توسعه	Graeme Hugo, ۱۹۹۳
مونث شدن جریان مهاجرت	موسسه تحقیق و توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۰۷
ابعاد جهانی مهاجرت زنان	Hania Zlonik, ۲۰۰۳
مونث شدن مهاجرت در شرق و جنوب شرق آسیا	Keiko Yamanaka and Nicola Piper, ۲۰۰۵
زنان روستایی و مهاجرت در آمریکای لاتین	Mariah de los angeles, ۱۹۸۶
مهاجرت زنان روستایی در هند، جهت گیری ها، و انگیزش ها	Kuldip S. Chhikara ^۱ and Anand S. Kodan, ۲۰۱۲
مهاجرت روستا به شهری زنان در تانزانیا؛ نمونه موردی شهر دارالسلام	M.J. Mbonile and Hellen A. Iihawa, ۱۹۹۶
مونث شدن مهاجرت و خرید و فروش زنان در مکزیک	Arun Kumar ACHARYA, ۲۰۱۰

مطالعات داخلی صورت گرفته در زمینه مهاجرت زنان و مونث شدن جریان مهاجرتها در سالهای اخیر، تنها محدود به دو مطالعه می باشد. لذا مقاله حاضر به بررسی بیشتر این موضوع به ویژه در جمعیت زنان روستایی و شناسایی مهمترین علل تشدید و افزایش سهم زنان در مهاجرتها می پردازد.

۳- مبانی نظری

۴- مهاجرت و انواع آن

سازمان ملل متحد، مهاجرت را به عنوان شکلی از تحرک جغرافیایی یا فضایی بین یک واحد جغرافیایی با دیگری تعریف نموده است. این تعریف دگرگونی در سکونت از مکان مبدا یا عزیمت به مکان مقصد را شامل می شود. در تعریف دیگری از سازمان تحقیقات نمونه ملی^۳ (NSSO) مهاجر به کسی اطلاق می شود که مکان زندگی گذشته وی با مکان فعلی و محل سرشماری وی متفاوت باشد (National Sample Survey Organization, ۲۰۰۸). در مجموع مهاجرت به تغییر مکانی برای سکونت اطلاق می شود که برای مدت زمانی نسبتاً دائمی یا بلند مدت صورت گیرد (Census of India, ۲۰۰۱). در حالت عمومی دو

۳ - National Sample Survey Organization

نوع مهاجرت وجود دارد: مهاجرت بین‌المللی^۴ و مهاجرت درونی^۵. مهاجرت‌های درونی خود بر د اساس دسته بندی می شوند (جدول ۲). افزون بر این می توان مهاجرت‌ها را بر اساس اختیار (اختیاری و ارادی)، انگیزه (اقتصادی، اشتغال، درآمد، تحصیل و ...) و نظایر آن دسته بندی کرد.

جدول ۲- اشکال مهاجرت‌های درونی

طبقه فاصله ای (بعد مسافتی)	جریان یا جهت مهاجرت
درون بخشی	روستا به روستا
درون شهرستانی	روستا به شهر
درون شهرستانی	شهر به شهر
درون بخشی	شهر به روستا

منبع: Chakarborty and Kuri (۲۰۰۸)

دو معیار برای سنجش وسعت مهاجرت وجود دارد. معیار اول مهاجرت انبوه یا توده ای^۶ است که به مهاجرت شمار زیاد یا مجموعه ای از افراد به خارج از مکان مبدا و با انگیزه‌های مختلف اشاره دارد. و معیار دوم، مهاجرت شبکه ای^۷ می باشد که مهاجرت شبکه ای تفاوت بین شمار مهاجران وارد و یا خارج شده از مکان، منطقه یا کشور است. به عبارت دیگر، بدست آوردن یا از دست دادن جمعیت یک منطقه در اثر مهاجرت را بیان می کند (Chikara and Kodan., ۲۰۱۲, p.۱۲۸). دلایل متنوعی می تواند سبب وقوع پدیده مهاجرت گردد که در مجموع اختیاری یا اجباری می باشند و می توان آنها به شرح زیر بیان نمود:

- امکانات و تجهیزات اساسی در مقاصد شهری
- هزینه مهاجرت
- دسترسی آسان به شغل
- وضعیت عملکرد بخش کشاورزی
- بازار غیررسمی نیروی کار در شهرها
- فرصت‌های شغلی محدود روستا
- نرخ با سوادی
- فقر روستایی یا شهری (مهاجرت بیرونی)
- تصمیمات و اولویتهای خانوادگی.

۴ - International Migration

۵ - Internal Migration

۶ - Gross Migration

۷ - Net Migration



۱-۳- مهاجرت زنان و مهمترین علل آن

برای سالهای طولانی زنان در مطالعات مرتبط با بحث مهاجرت مغفول و نادیده مانده بودند. مشارکتها و تجارب یکتای اقتصادی- اجتماعی آنان به حساب نمی آمد. در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تئوریهای مهاجرت اغلب بر این پیش فرض استوار بودند که مهاجران مردان می باشند و زنان به عنوان عنصری تابع همسران خود دیده می شدند. نتیجتاً، مهاجرت به عنوان پدیده ای مردانه ترسیم شده بود. اکنون نیز در بسیاری از کشورها هنوز دیدگاه هایی سنتی غالب می باشد که زنان را در جریانهای مهاجرتی به عنوان همسر، دختر یا وابسته مردان مهاجر به حساب می آورند. از سده های اخیر تغییرات چشمگیری در نرخ مهاجرت زنان به شکلی مستقل و به عنوان تامین کنندگان اقتصادی یا نان آوران خانواده ایجاد شده است (United Nations Population Division, ۲۰۰۵). زنان و مردان تفاوتی قابل توجهی در رفتارهای مهاجرتی خود، مواجهه با فرصتهای مختلف و مقابله با ریسک ها و تهدیدهایی نظیر آسیب پذیری در برابر حقوق انسانی، سوء استفاده های جنسی، استثمار و ریسک های سلامتی نشان می دهند. لذا، به طور فزاینده ای آشکار می باشد که مهاجرت پدیده ی «بی طرف جنسیتی»^۸ نمی باشد. گرایش جریانهای مهاجرتی منطقه ای یکی از شاخص های مونث شدن فرایند مهاجرت می باشد. زنان در حال حاضر بیش از نیمی از مهاجرتی بین المللی در نواحی توسعه یافته و اندکی کمتر از نصف مهاجرتی کشورهای کشورهای کمتر توسعه یافته را در تشکیل می دهند. این اختلاف منعکس کننده تبعیضات و تعصباتی در رابطه با کار زنان و مردان و همچنین دستمزد و استانداردهای زندگی، سیاستهای دولتی و شیوه های استخدام برای آنها می باشد. وجود پناهگاه هایی برای استقرار و سکونت نیز از فاکتورهایی است که در مهاجرت و تصمیم گیری برای مقصد مهاجرت تاثیرگذار است (United Nations Population Fund, ۲۰۰۶).

مهاجرت زنان اغلب به موازات دو تغییر یا دگرذیسی دیگر، زنان را به ویژه در نواحی روستایی تحت تاثیر قرار می دهد: - مونث شدن فقر و مونث شدن کار به عبارتی افزایش فقر زنان و افزایش اشتغال زنان به نوبه خود سبب تشدید مهاجرت زنان و مونث شدن فرایند مهاجرت می شود. زنانه شدن مهاجرتها یا به عبارتی توسعه مهاجرت زنان، یکی از مساله ساز ترین اشکال مهاجرت است که مسائلی نظیر تجاری شدن مهاجرت، سوء استفاده از زنان، استثمار و ... را در وجوه اجتماعی به همراه خواهد داشت. زنان نیز نظیر مردان بنا به علل مختلفی نظیر یافتن شرایط بهتر زندگی، حمایت از فرزندان خود، گریز از آشفتگی های سیاسی، آموزش، کار و ... گاه مهاجرت با سرانجامی مبهم را به قرار در منطقه محل زندگی خود ترجیح می دهند. لذا از میان علل بسیاری که بر این امر تاثیرگذارند، برخی از آنها به شرح زیر قابل بررسی می باشند:

^۸ - gender-neutral phenomenon



- فقر و نیازهای مادی

بینوایی و نیاز به حمایت خانواده، در زنان نیز نظیر مردان از دلایل محکم مهاجرتی می باشد. اگرچه فقر همیشه در تصمیم گیری و توانایی زنان برای مهاجرت مشارکت ندارد. همچنین شرایط اجتماعی و تاثیرات سنن و رسومات بر اوضاع خانواده و فرد نیز بر این تصمیمات موثر است. در کنار این فقر که خود عامل دافعه از محیط مبدا می باشد، وجود تقاضای کار با کلیشه های جنسیتی، خاص زنان در مقاصد فضایی می تواند زمینه تقویت انگیزه مهاجرت زنان گردد.

- تمایل به توسعه افق فکری و تجربی

در کنار عواملی نظیر تامین نیازهای خانواده، کار و درآمدزایی، توسعه افق فکری و تجربی، خود انگیزه تغییر فضا و تجربه فضاهای جغرافیایی نوین می گردد. تمایل به شکافتن مرزها و حصارهای زندگی، توسعه ادراک و آموزش، سبب می شود که زنان در مقایسه با مردان از قدرت ریسک بیشتری برای مقابله با محدودیتها برای دستیابی به آزادی باشند. در کنار این تمایلات، داشتن استقلال مالی و فرصتهای کسب درآمد می تواند زنان را در برابر محدودیتهای سنتی و حصول به تحرک قدرتمندتر سازد.

- تحصیل و آموزش و فرار مغزها

با تغییر سیاستهای و شاخص های توسعه، ارتقاء سطح آموزشی و تحصیلاتی زنان به ویژه در نواحی روستایی یکی از مسائلی است که امروزه زمینه تشدید مهاجرتهای زنان را فراهم کرده است. مهاجرت زنان آموزش دیده و ماهر، نظیر مردان در جستجوی یافتن شغلی همسطح با تحصیلات، افزون بر محرومیت اجتماع مبدا از این مهارتها، به نوعی اتلاف سرمایه گذاری آموزشی و پتانسیلهای است که می تواند به بهبود شرایط زیست اجتماع مبدا کمک کند. این پدیده همان اصطلاح مرسوم فرار مغزها می باشد که در سطوح فضایی مختلف خرد و کلان نظیر روستا به شهرها و کشوری به کشور دیگر به شکل های خاص خود جریان می یابد. و نتیجه آن تخلیه فضاهایی نظیر روستاها از نخبگان و سرمایه های انسانی و کاهش سرعت توسعه اجتماعی است (Lowell, ۲۰۰۱, p.۲).

- کلیشه های جنسیتی اشتغال

جنسیت نقش مهمی را در تصمیم گیری برای اینکه چه نوع شغلی برای زنان و مردان مهاجر ایجاد شود دارد. تا زمانی که تقاضا برای کارگران مهاجر در کشورهای مقصد مبتنی بر بازار کار باشد، فرصتهای موجود برای زنان مهاجر شامل اشتغال در کارهای نیازمند به مهارت کم، و با قابلیت کنترل بالا خواهد بود. این دیدگاه و تقاضا خود سبب ترغیب زنان کم مهارت و غیرحرفه ای برای مهاجرت می گردد. این شرایط منعکس کننده نقشهای

سنتی زنان و رفتارهای غالب و غیرتخصصی آنها می باشد و تقاضا برای مشاغلی نظیر خدمات نظافتی، پرستاری، خدمات هتل و مهمانسرا، وظایف خانگی در این موارد در حال افزایش است. افزایش شمار زنان شاغل در اجتماعات نیاز به چنین کارگرانی برای رسیدگی به امور روزمره خانوارها را ارتقا می دهد و خود به نوعی سبب جهت دهی به تقاضای بازار کار برای چنین مشاغلی می باشد و ترغیب پنهان و نامحسوس مهاجرتهای زنان را برای اشتغال به چنین اموری که مهارت بالایی را نمی طلبد به همراه دارد. البته یکی از پیامدهای ناگوار مهاجرتها براساس کلیشه های جنسیتی، گرفتار شدن زنان مهاجر در ناهنجاریهای رفتاری و باندهای سوء استفاده می باشد که بسیاری از کشورها قوانین منع کننده و محدود کننده ای برای جلوگیری از گرفتار شدن زنان در این دسیسه ها وضع می نمایند (Moreno Fontes, ۲۰۰۱). این نوع مهاجرت در سطح جهانی، مهاجرت غیر متعارف نامیده می شود که به عنوان یکی از گسترده ترین موارد نقض حقوق بشر شناخته شده است. زیرا جنایتی وحشتناک، اجحاف و ناعدالتی آشکار در حقوق انسانی است. مهاجرت غیر متعارف یا قاچاق زنان برای فحشا، گونه ای از برده داری مدرن است (Cole, ۲۰۰۹).

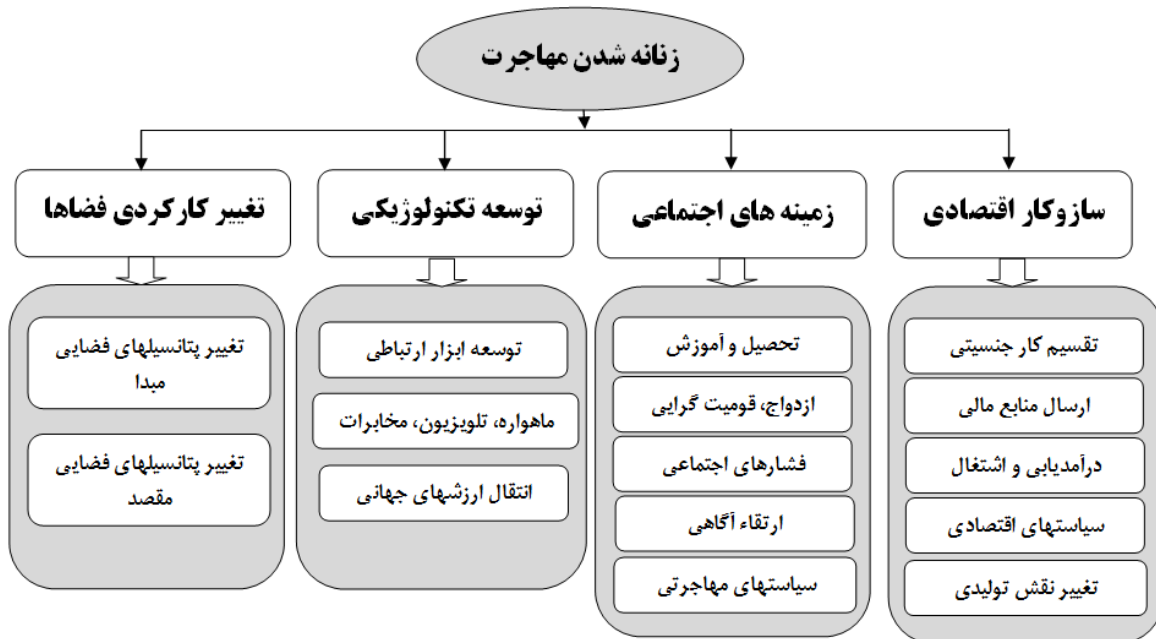
- سیاستهای مهاجرتی کشورها

البته سیاستهای مهاجرتی در کشورهای مختلف نیز تا حد زیادی بر این مساله تاثیرگذار است. به عنوان مثال، کشور آلمان نمونه یک کشور با قوانین و سیاستهای مهاجرتی مردمحورانه است. تمامی شیوه ها و راه های مهاجرت های قانونی برای کار نظیر اشتغال در پروژه های صنعتی، مهاجرت کارگران فصلی برای کشاورزی، و نظایر آن تحت تسلط مردان می باشد. بخشی از این قوانین و تدوین آنها نیز در دوره های مختلف تحت الشعاع سیاستهای اقتصادی و نظیر سرمایه داری قرار داشته اند. تلاش برای کسب بیشترین سود و کاهش هزینه های تولید شامل هزینه نیروی کار، نیازمند حضور کارگران بیشتر بوده است که بخشی از آن را زنان تامین می کرده اند. لذا لازم بود تا سیاستهای مهاجرتی، آزادی بیشتری را برای مهاجرت زنان به کشورهای سرمایه داری اعمال نمایند. البته علل و پیامدهای مهاجرتهای زنان در سطوح مختلف فضایی از محلی تا بین المللی متفاوت با یکدیگر است. برای بسیاری از زنان، مهاجرت تجارب مثبتی از این حقیقت که می توانند در تامین هزینه های خانواده و تصمیم گیری های آن مثر ثمر باشند ارائه می نماید، هرچند، زنان شانس کمتری برای مهاجرت قانونی دارند و در معرض آسیب پذیری بیشتری از تبعیض و سوء استفاده و خشونت قرار دارند (Moreno Fontes, ۲۰۰۱).

- ازدواج و وابستگی خانوادگی

اگرچه فرایند مونث شدن مهاجرتها بیشتر به مهاجرت انفرادی و مستقل زنان از مبدا به مقاصد اشاره دارد، لیکن بسیاری از مهاجرتهای کشورهای توسعه نیافته، همچنان زنان را در زمره پیوندها و وابستگی های خانوادگی

ناشی از ازدواج و تبعیت از همسر وارد این تحرک می سازند. به عبارتی ازدواج و وابستگی های خانوادگی شکلی غالب از مهاجرت زنان در کشورهای با باورهای سنتی در زمینه زنان است. در این نوع کشورها شکل زنانه شدن مهاجرتها با کشورهای توسعه یافته بسیار متفاوت است. نمودار زیر برخی از مهمترین علل مهاجرت زنان و به عبارتی مونث شدن مهاجرتها در عرصه های مختلف فضایی را نشان می دهد.



شکل ۱- علل موثر در مونث شدن فرایند مهاجرت (منبع: نگارنده)

۲-۳- مهاجرت زنان روستایی و علل آن

با توجه به موانع ساختاری، اقتصادی و اجتماعی موجود در روستاها، زنان روستایی که بیش از یک چهارم جمعیت جهان را تشکیل می دهند، نسبت به مردان روستایی و شهری و زنان شهری در دستیابی به اهداف توسعه هزاره در شرایط بدتری به سر می برند (Inter-Agency Task Force on Rural Women, ۲۰۱۲). برای زنان علل مهاجرت با مردان متفاوت است که این هم ناشی از قید و بندهای اجتماعی است که در راه تحرک و اشتغال ایشان وجود دارد، و هم به دلایل خانوادگی است که برای زنان اهمیت بیشتری دارد. به این معنی که وقتی مردی برای کار و درآمد بهتر راهی شهر می شود و مدت اقامت وی دائم یا حتی موقت است، خانواده نیز از رییس خانواده تبعیت می کند (سرحدی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۳). نوع مهاجرت به شدت بر روند توسعه اجتماعات مبدا و همچنین مقصد و در کنار آن بر خود جمعیت زنان مهاجر تاثیر گذار است. در برخی از فضاها فقدان پتانسیلهای اشتغال تخصصی زمینه مهاجرت را برای زنان تسریع و تشدید می نماید. فرصتهای



شغلی در زمینه های مهندسی، مدیریت، تخصص های پزشکی و ... سبب می شود زنان تحصیل کرده روستایی فضاهای روستایی را با رضایت بیشتری ترک گویند. به عبارتی فرار مغزها را بر اتلاف مغز ترجیح دهند.

در هند، مصر، سودان و ولتای علیا بیش از ۸۰ درصد از مهاجرت زنان به خاطر ازدواج و سایر ملاحظات خانوادگی است. با این حال در کشورهای تایلند، نیکاراگوئه، بوتسوانا، مکزیک دلایل اقتصادی به اندازه دلایل خانوادگی اهمیت پیدا می کند. در مطالعات مرتبط با ایران، بیشترین مهاجرت زنان بنا به دلایل اجتماعی و خانوادگی صورت می پذیرد، آموزش و تحصیلات و ازدواج دو عامل برتر برای توسعه مهاجرت های زنان به ویژه در روستاها می باشد. این مطالعات نشان می دهد که افراد جوان و دختران محصل، به مهاجرت چرخشی دست می زنند و برای ادامه تحصیل به شهرهای نزدیک و یا بزرگ رهسپار می شوند (سرحدی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۳) و به نوعی مهاجرت نخبگان در سطح خرد را رقم می زنند.

زنان روستایی گروه هایی همگن نمی باشند و شرایط و اوضاع زندگی آنها و همچنین ظرفیتهای مهاجرت آنها براساس درآمد، طبقه اجتماعی و آموزش و اهرمهای محلی جنسیتی متغیر می باشد. از سویی مهاجرت نیازمند منابعی می باشد که در اختیار همه نمی باشد. در برخی موارد زنانی که فقر حادی را در اجتماعات فقیر دچار می باشند، دارای محدودیتهایی در منابعی نظیر آگاهی، مالکیت، دارایی و جایگاه اجتماعی هستند. حتی خانواده هایی که منابع لازم را دارا می باشند، کنترل خانواده و محدودیتهای ناشی از آن ممکن است فرصتهای مهاجرت زنان را محدود سازد (Bridge, ۲۰۰۵). از پس محدودیتهای موجود، زنانی که می توانند از روستا مهاجرت کنند، اغلب به سه سطح مهاجرتی یعنی روستا به روستا^۹، روستا به شهر^{۱۰} و مهاجرت در سطوح ملی یعنی از روستا به خارج از مرزهای ملی^{۱۱} مبدا حرکت می کنند. سایر الگوهای مهاجرتی زمانی محتمل به وقوع است که شبکه های ارتباطی و حمایتی توسط مهاجران کارگر و یا سازمانهای مرتبط با مهاجرت در نواحی روستایی وجود دارند (IOM, ۲۰۰۹). در زمان فقدان این ساختارهای حمایتی از مهاجرت، زنان روستایی اغلب به نواحی شهری و برای دستیابی به خدمات آموزشی مهاجرت می کنند که خود می تواند زمینه مهاجرت های بین المللی باشد (Bridge, ۲۰۰۵). زنان روستایی ممکن است از مهاجرت به عنوان اهرمی برای گریز از نقشهای سنتی خود، تبعیضات جنسی و یا خشونت جنسی استفاده نمایند. همه این سه فاکتور ترغیب کننده در نواحی روستایی مصداقهای قابل توجهی دارد (UNFPA, ۲۰۰۷). در برخی کشورهای آسیایی، ازدواج تجاری یا به عبارتی تقاضا برای عروسهای مهاجر نیز رو به افزایش است. بسیاری از زنان و دختران روستایی به دلایلی نظیر مشارکت فزاینده در نیروی کار از ازدواج صرف نظر یا آن را به تاخیر می اندازند که ازدواج با چنین گزینه های مهاجر روستا به شهری، از اولویتهای برخی پسران سنتی می باشد (UNFPA, ۲۰۰۶). این نوع ازدواجهای

۹ - rural-to-rural migration

۱۰ - rural-to-urban migration

۱۱ - rural-to-international migration

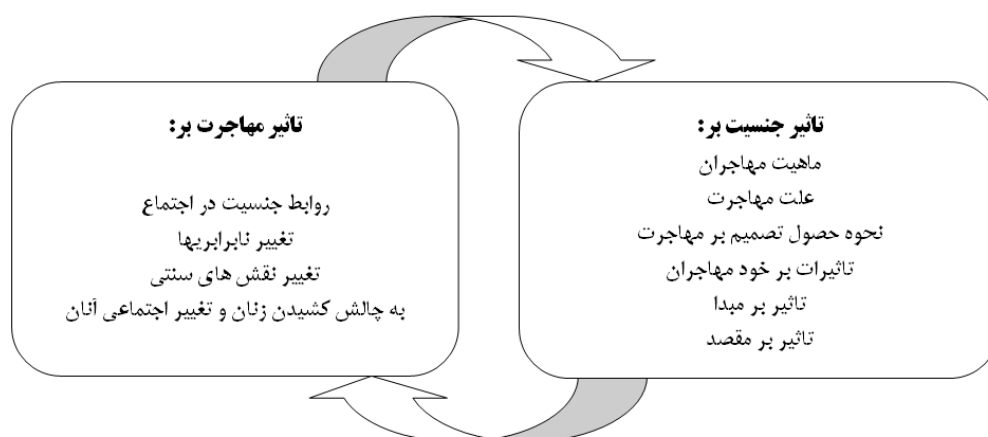
ستی از طریق برخی موسسات و افراد خاصی صورت می گیرد و زنان فقیر روستایی با سطح تحصیلات اندک را جلب می نماید. این اقشار برای فرار از کنترل های اجتماعی و همچنین فشارهای والدین و همچنین دستیابی به امنیت اقتصادی تن به چنین انتخابهایی می دهند. اگرچه اغلب به علت آگاهی اندک از همسران آینده خود خانواده خود را ترک و درگیر استثمار و تنگدستی می شوند (IOM, ۲۰۰۹). یکی دیگر از مهمترین علل مهاجرت زنان را اجبار و اضطراب شرایط محیط شکل می دهد و بدون شک این نوع مهاجران از زمره آسیب پذیرترین مهاجران می باشند. در موارد کشمکشهای مسلحانه، نواحی روستایی اغلب خشونت و فشار بسیاری را تحمل می کنند و تنها راه مهاجرت می باشد. در این موارد خشونتها علیه و آسیب پذیری فیزیکی زنان افزایش می یابد. مواردی نظیر مخاطرات طبیعی نیز ممکن است چنین مهاجرتهایی را رقم بزند (UNFPA, ۲۰۰۹). براساس موارد ارائه شده، مهمترین عوامل و اشکال مهاجرت زنان روستایی را می توان در موارد زیر عنوان داشت:

- مهاجرت برای تحصیل (فرار نخبگان روستایی)؛
 - مهاجرت به عنوان استراتژی برای حفظ و بقای خانواده (Omelaniuk, ۲۰۰۵)؛
 - اشتغال و درآمدزایی زنان در امور عمومی، مشاغل نگهداری و نظافت منازل به عنوان امور غیر تخصصی (GFMD, ۲۰۱۰)؛
 - مهاجرت ناشی از ازدواج با افراد بیرونی در نواحی روستایی یا ازدواج تجاری (UNFPA, ۲۰۰۶)؛
 - مهاجرت اجباری زنان در اثر مخاطرات انسانی نظیر جنگ و طبیعی نظیر سیلاب و زلزله (UNFPA, ۲۰۰۹)؛
 - مهاجرت در اثر تغییر ارزشها و سبک زندگی (تحت تاثیر الگوهای بیرونی و فناورانه)؛
- امروزه دو عامل اقتصادی و آموزشی بیشترین و مهمترین علل توسعه سهم زنان در میزان مهاجران روستا شهری به شمار می آید. در اینجا به تاثیرات مهاجرتهای نخبگان زن روستایی و بازخوردهای آن بر روستاها در دو سطح فردی و اجتماعی پرداخته می شود.

۳-۳- بازخورد مهاجرت زنان نخبه بر فضاهای روستایی

مهاجرت زنان روستایی با توجه به ویژگیهای افراد مهاجر بازخوردهای مختلفی را بر فضای مبدا و مقصد به جای می گذارد. این تاثیر می تواند به صورت دو بعد مثبت و منفی مورد توجه قرار گیرد. به واقع ابعاد منفی مهاجرت زنان نخبه بر فضای روستایی آشکارتر از ابعاد مثبت آن می باشد. ابعاد مثبت این مساله را شاید بتوان در انتفاع شخص مهاجر برشمرد. به گونه ای می توان این امر را ناشی از تغییر هویت و یا اندیشه زنان نخبه در فضاهای روستایی دانست. بیشتر زنان روستایی نخبه، زنانی را شامل می شوند که بعد از طی مدارج علمی و

دستیابی به سطوح بالاتری از تحصیلات و طبقه اجتماعی، و در اثر تجربه محیط های گسترده تر از محیط و روابط محدود روستایی تمایل شدیدی برای خروج از اجتماع روستا از خود نشان می دهند. ادامه تحصیل دختران و زنان روستایی، تلاش برای یافتن شغلی با منزلت و در سطح تحصیلات کسب شده، عدم رضایت از بازگشت به محیط روستا و عدم توانایی با انطباق با ارزشهای پیشین در اثر تجربه ارزشهای شهری، اطلاع بیشتر از توانایی و حقوق خود در اثر ارتقاء تحصیلات و نظایر آن از مهمترین علل خروج نخبگان به شمار می آید (شکل). اما آنچه مهاجرت نخبگان زن را تشدید و تقویت می نماید خالی شدن فضای روستا از چنین نمونه هایی است که سبب دلسردی تازه واردان نخبه می گردد. خروج زنان نخبه ای که حضور آنها در محیط روستایی می تواند سبب بهبود تربیت فرزندان، ارتقاء سطح آگاهیهای اجتماعی و زیستی، آموزش روستاییان در امور تخصیص و بهره وری بهینه از منابع موجود، بهبود بهداشت، بهبود بنیانهای خانواده، ارتقاء استقلال زنان و توسعه مشارکت آنها در اجتماع شود، بالعکس، سبب القای اندیشه ناامیدی و نهادینه شدن باورهای منفی نظیر موفقیت = مهاجرت برای زنان می گردد.



شکل ۲- تأثیر مهاجرت بر خود مهاجران و فضاهای مبدا و مقصد (منبع: Jolly and Reeves, ۲۰۰۵)

براین اساس مهمترین بازخوردهای مهاجرت زنان به ویژه زنان نخبه (با سطح تحصیلات بالا، دارای مناصب بالای اجتماعی و اقتصادی) را می توان شامل موارد زیر دانست:

- کاهش روحیه امیدواری در میان زنان روستایی
- خروج نیروهای تقویت کننده اقتصادی
- خروج الگوهای تربیتی فرزند و آموزش زیستی آنها
- کاهش زمینه مشارکت زنان به لحاظ عدم وجود الگوهای ترغیب کننده.
- اهمال حقوق زنان و گسترش انزوای بیشتر آنان.

- عدم امکان برقراری تساوی جنسیتی در امور مختلف به دلیل کاهش نمایندگان زنان روستایی در مجامع تصمیم گیری.

کاهش نقش هدایتی، آموزشی، اجتماعی، بهداشتی، مدیریتی زنان به واسطه خروج الگوهای پیشدار برای سایر زنان روستایی با توجه به روحیه الگوپذیری زنان روستایی از مهمترین بازخوردها و عواقب خروج زنان نخبه از نواحی روستایی به شمار می آید. البته لازم به ذکر است که مهاجرت زنان در سطح خانواده خود آثار منحصر و ویژه خود نظیر گسستگی ساختار خانواده، تغییر سبک زندگی فرزندان و مرد خانواده، کاهش توان کاری خانوار روستایی و نظایر آن را به همراه خواهد داشت. از سویی آثار مثبت آن را در صورت موفق بودن فرد مهاجر در یافتن موقعیت اجتماعی مطلوب و مورد انتظار خود در فضای بیرونی، می توان محدود و در سطح شخص مهاجر کننده و شامل مواردی نظیر دستیابی به مدارج بالاتر اجتماعی، اقتصادی و رفاهی، رضایت فردی از زندگی شخصی از آثار مثبت در ابعاد فردی دانست که تنها در صورت تلاش زنان مهاجر نخبه از روستاها برای تغییر شرایط زندگی سایر زنان روستایی می توان آن را کمی فراتر از بازخوردهای فردی و در سطح اجتماعی نیز قلمداد نمود.



شکل ۳- بازخورد مهاجرت زنان نخبه بر فضاهای روستایی (منبع: نگارنده)

۵- نتیجه گیری

در طی دو قرن گذشته تحقیقات مرتبط با مهاجرت نشان می دهد که در دوره های مختلف زمانی مهاجرت زنان با علل و ابعاد مختلفی همراه بوده است. به عنوان نمونه، در مراحل ابتدایی عصر صنعتی شدن، میزان مهاجرت های زنان روستایی به شهرها در بسیاری از کشورها تشدید گردید. اگرچه شکل مهاجرت، ابعاد مهاجرت، علل و انگیزه های مهاجرت در دوره های گذشته شکلی متفاوت نسبت به امروز یافته است، آنچه مسلم است در سالهای اخیر، به شدت سهم زنان از جریانات مهاجرتی افزایش یافته است که از آن به عنوان زنانه شدن مهاجرتها یاد می شود. این تفاوت های زمانی در قالب مکان و فضاهای جغرافیایی نیز قابل طبقه بندی است. در این میان روستاها با عللی متفاوت بخش عمده ای از مهاجران زن را به نواحی شهری گسیل می دارند. در گذشته اشکال مهاجرت زنان روستایی در تبعیت از همسران، به شکل خانوادگی و برای همراهی خانواده بوده است. اما در سالهای اخیر این شکل از مهاجرتها تا حد زیادی تحت الشعاع عوامل فردی-اقتصادی از شکل خانوادگی فاصله گرفته و به اشکال انفرادی و برای اهدافی نظیر دستیابی به شغل مناسب، ادامه تحصیلات و اسکان انفرادی افراد و در برخی موارد مجموع خانواده به سرپرستی زن تغییر یافته است. عوامل بسیاری در این افزایش سهم زنان در جریانات مهاجرتی تاثیرگذار بوده است که مهمترین آنها الحاق اجتماعات روستایی به فرایندها و ارزشهای جهانی شدن، کاهش محدودیتها و فشارهای اجتماعی به واسطه تغییر سبک زندگی روستایی، توسعه فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی نظیر مخابرات و ماهواره به نواحی روستایی، ارتقاء آگاهی زنان و نرخ باسواد آنان، توسعه نقش مشارکتی زنان در عرصه های اقتصادی و اجتماعی، وجود عرصه های فعالیتی دارای برچسب های جنسیتی مشخص که آنها را مختص زنان می نماید و گاه زمینه را برای حضور زنان حتی با مهارتهای اندک می گشاید، توسعه سهم زنان در ابعاد اقتصادی خانوار و وظایف سرپرستی خانواده و بسیاری دیگر از فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی دیگر. آنچه بیشترین اهمیت را در مبحث مهاجرت زنان روستایی داراست، شاید بتوان در بعد نخبه گزینی جریان مهاجرت های اخیر در فضاهای روستایی جستجو کرد. توسعه سهم زنان تحصیل کرده و در جستجوی کار، به عبارتی افرادی که در مرحله الگو انگاری برای سایر زنان روستایی قرار گرفته اند و می توانند نقش بسیار مهمی در ارتقاء حضور و نقش زنان روستایی در عرصه های بهداشتی، آموزشی، اقتصادی و زیست محیطی به ویژه تربیت فرزندان آگاه و تغییر محیط اجتماعی- فضایی روستا به سوی توسعه ایفا نماید، زمینه را برای توقف توسعه عرصه های روستایی فراهم و چه بسا در صورت بروز شکست، زمینه ساز بروز مشکلات اجتماعی و فضایی بسیاری برای مقاصد این مهاجران امیدوار گردد. آنچه می توان برای کاهش چنین آسیب هایی هم در مقاصد و هم در مبدا مهاجرتها بدان اذعان نمود نقش برنامه ریزی فضایی برای کاهش کاستی ها و ایجاد شرایط مطلوب برای نگهداشت زنان



روستایی به ویژه نخبگان برای ارتقاء انگیزه های زیستی و مانایی جمعیت به ویژه زنان در فضاها روستایی می باشد.

منابع

۱. جعفری، نرگس (۱۳۹۰): بررسی روند مهاجرت زنان به نقاط شهری شهرستان مشهد، طی سالهای ۱۳۶۵ - ۱۳۸۵، پنجمین همایش منطقه ای زن ایرانی و پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار.
۲. سرحدی، فریده (۱۳۷۳): اشتغال و مهاجرت زنان روستایی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه جمعیت و نیروی انسانی.
۳. Bridge, (۲۰۰۵); Gender and Migration. Available from www.bridge.ids.ac.uk/reports/CEP-Mig-OR.pdf.
۴. Census of India (۲۰۰۱); Series-۱, India, General Population Tables, Part-۲, Rural and Urban Distribution', ۱۹۹۱.
۵. Chhikara, Kuldeep. S and Kodan, Anand S. (۲۰۱۲); Migration of Rural Women in India: Trends, Streams and Motivation, Greener Journal of Social Sciences ISSN: ۲۲۷۶-۷۸۰۰ Vol. ۲ (۴), pp. ۱۲۷-۱۳۳, October ۲۰۱۲.
۶. Cole, Helen (۲۰۰۹); Human Trafficking: Implications for the Role of the Advanced Practice Forensic Nurse, J Am Psychiatric Nurses Assoc.
۷. Global Forum on Migration and Development (GFMD)(۲۰۱۰); Uncovering the Interfaces between Gender, Family, Migration and Development: The Global Care Economy and Chains, Annex to GFMD ۲۰۱۰ Roundtable ۲,۲ Background Paper. Available from www.gfmd.org/en/documents-library/docs-genderfamily- children.html.
۸. Inter-Agency Task Force on Rural Women (۲۰۱۲); Rural Women and the Millennium Development Goals. Available from www.un.org/womenwatch/feature/ruralwomen/factsfigures.html.
۹. International organization for migration (IOM) (۲۰۰۹); Gender and Labor Migration in Asia. Available from www.iom.int/jahia/webdav/shared/shared/mainsite/microsites/IDM/workshops/societies_and_identities_۰۶۱۹۱۰/iom_gender_and_labour_migration_asia.pdf.
۱۰. International organization for migration (IOM) (۲۰۰۹); rural women and migration, fact sheet, www.iom.int/jahia/webdav/shared/shared/mainsite/microsites/.
۱۱. Jolly Susie and Reeves Hazel (۲۰۰۵); GENDER and MIGRATION, Institute of Development Studies.
۱۲. Lowell, B. Lindsay (۲۰۰۱); Policy Responses to the International Mobility of Skilled Labor, International Labor Organization, International Migration Branch, Geneva.
۱۳. Moreno Fontes Cham martin, Gloria (۲۰۰۱); the feminization of international migration, Global perspective, International Labor Conference, Report on a mission to Albania.
۱۴. National Sample Survey Organization (۲۰۰۰); 'Migration in India, July, ۱۹۹۹ to June, ۲۰۰۰, ۵۵th Round, New Delhi, Government of India.



۱۵. Omelaniuk, I. (۲۰۰۵); Gender, Poverty Reduction and Migration. World Bank, <http://siteresources.worldbank.org/EXTABOUTUS/Resources/Gender.pdf>
۱۶. UNFPA (۲۰۰۷); State of World Population: Unleashing the Potential of Urban growth. Available from: www.unfpa.org/webdav/site/global/shared/documents/publications/۲۰۰۷/۶۹۵_filename_sowp۲۰۰۷_eng.pdf.
۱۷. UNFPA (۲۰۰۹); State of World Population: Facing a Changing World: Women, Population and Climate. Available from: www.unfpa.org/webdav/site/global/shared/documents/publications/۲۰۰۹/state_of_world_population_۲۰۰۹.pdf.
۱۸. UNFPA, (۲۰۰۶); State of World Population: A Passage to Hope: Women and International Migration. Available from www.unfpa.org/swp/۲۰۰۶/pdf/en_sowp۰۶.pdf.
۱۹. United Nations Population Division (۲۰۰۵), World Migrant Stock: The ۲۰۰۵ Revision Population Database, <http://esa.un.org/migration/p۲k۰data.asp>.